

تأثیر فضای مجازی و مرکز اعتدال عربستان سعودی بر سیاست منطقه‌ای عربستان از ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۳

ابوالفضل بابایی^۱، محمدصادق کوشکی^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳

چکیده

در دهه‌های اخیر ظهور «شبکه‌های اجتماعی» و مفاهیم جدیدی همچون «کلان‌داده» و «هوش مصنوعی» تمام جنبه‌های زندگی بشری را متحول کرده است. کشورهای مختلف با درک اهمیت فضای مجازی، کلان‌داده، هوش مصنوعی و پردازش ماشینی، اقداماتی را در این زمینه آغاز کرده‌اند. عربستان سعودی از پیشروهای این حوزه محسوب می‌گردد که با بهره‌گیری از مشاوران غربی، تحولات عمیقی را در این حوزه به وجود آورده است. از این رو، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که: «فضای مجازی، هوش مصنوعی و تأسیس نهادهایی نظیر مرکز اعتدال چگونه بر سیاست منطقه‌ای عربستان در غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۳ تأثیرگذار بوده است؟» بر اساس یافته‌های تحقیق، ظهور فضای مجازی و تولید کلان‌داده و نیز پیشرفت فناوری هوش مصنوعی، رویکردهای سیاسی و حکمرانی را تغییر داده است؛ عربستان با استفاده از فناوری‌های جدید توانسته بخشی از نقاط ضعف خود (همچون عدم برخورداری از محبوبیت در سطح منطقه به دلیل افراط‌گرایی و...) را جبران نماید و قدرت راهکنشی و به تبع آن نفوذ خود در سطح منطقه را افزایش دهد. این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و چگونگی استفاده از کلان‌داده در شناسایی الگوهای رفتاری به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی: عربستان، کلان‌داده، فضای مجازی، هوش مصنوعی، مرکز اعتدال.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: abolfazl.babaei@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.s.koushki@ut.ac.ir



۱. مقدمه

فناوری اطلاعات و «هوش مصنوعی» با ایجاد تحولی شگرف در عرصه‌های گوناگون، به‌ویژه در حوزه سیاسی، چهره‌ی جهان را دگرگون ساخته‌اند؛ به‌طوری‌که این تغییرات با انقلاب صنعتی مقایسه می‌شوند.

در عصر دیجیتال کنونی که فناوری‌های هوشمند فراگیر شده‌اند، دولت‌ها برای حفظ جایگاه رقابتی خود در عرصه بین‌الملل به‌طور فزاینده‌ای به بازسازی جوامع خود با استفاده از این ابزارها روی آورده‌اند. در این میان، کلان‌داده به منبعی حیاتی برای تحلیل‌های دقیق تبدیل شده است. علوم سیاسی نیز از این روند بهره‌مند شده است؛ چراکه پیشرفت‌های اخیر در هوش مصنوعی و قدرت محاسباتی، امکان تحلیل حجم وسیعی از داده‌ها را فراهم آورده و این فناوری را به‌عنوان ابزاری قدرتمند در اختیار محققان و تصمیم‌گیران قرار داده است.

سؤال اصلی مورد بررسی در مقاله حاضر این است که؛ «فضای مجازی و فناوری‌های مرتبط با آن، ازجمله هوش مصنوعی چگونه بر سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی در غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۱۰ الی ۲۰۲۳ م. تأثیر گذاشته است؟» با توجه به سؤال اصلی به بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیر فضای مجازی و هوش مصنوعی بر سیاست منطقه‌ای عربستان می‌پردازیم.

۲. مبانی نظری: کلان‌داده

در عصر ارتباطات، تولید اطلاعات به شدت افزایش یافته؛ به‌نحوی‌که در چند دهه اخیر مفهوم «کلان‌داده» مطرح شده است. عبارت کلان‌داده به مجموعه داده‌هایی با حجم بزرگ، بسیار گوناگون (یعنی بهره‌مند از ساختار و به‌ویژه فاقد ساختار)^۱ و جاری (مستمر)، اطلاق می‌شود که نمی‌توان با فرایندهای سنتی تحلیل داده آن‌ها را تحلیل کرد؛ بلکه به دلیل وجود مؤلفه‌ای به نام «مرتبه بزرگی»، این داده‌ها در چندین سرور دریافت، ثبت، طبقه‌بندی و

۱. «فاقد ساختار» یعنی داده‌ای که سنجش آن پیچیده‌تر است مانند عکس‌ها، تصاویر ویدئویی، ایمیل‌ها، پیام‌های متنی و مانند آن‌ها.

بررسی می‌شوند و نتایج حاصل از بررسی آن‌ها، روی یکدیگر انباشت می‌شوند (گانتز^۱، ۲۰۱۰: ۲).

برخلاف تحلیل‌های اجتماعی کلاسیک که نمونه‌های آماری کوچکی را مورد مطالعه قرار می‌داد، اکنون کلان‌داده، روش و رویکردی متفاوت را به همراه آورده است؛ اندازه بسیار بزرگ نمونه، سطوح بالاتری از اعتماد را در استنباط روندها، امور غیرعادی و الگوهای به وجود می‌آورد که ممکن است در کار با مجموعه داده‌های کوچک، از دید پنهان بمانند؛ همچنین در این روش، امکان پیش‌بینی رویدادهای آتی نیز وجود خواهد داشت.

علاوه بر این، تحلیل کلان‌داده، تمرکز تحقیق را از علیت به سمت همبستگی تغییر داد. کلان‌داده را می‌توان به صورت کامپیوتری، یا به صورت مجزا یا با ادغام در دیگر مجموعه‌های داده تحلیل کرد تا از این طریق الگوها، روندها و ارتباطات مخفی یا پیش از این ناشناخته را کشف کنند.

در بیشتر موارد چهار ویژگی به کلان‌داده نسبت داده می‌شود که معمولاً با عنوان چهار وی (V) از آن‌ها یاد می‌شود: «حجم»^۲، «تنوع»^۳، «سرعت»^۴ و «صحت»^۵ (گراهام^۶، ۲۰۱۲: ۲).

❖ «حجم» به توانایی داده بزرگ برای دربرگرفتن حجم‌های بالا و روزافزون، اشاره می‌کند (ترابایت، پتابایت یا زتابایت)؛

❖ «تنوع» به توانایی برای استفاده از منابع و انواع مختلف داده، اشاره می‌کند؛ اعم از اشکال ساختارمند (اعداد، تواریخ و کلمات و اعداد) و فاقد ساختار (متن، ویدئو، صوت، توییט) که می‌تواند از طیف وسیعی از منابع طبقه‌بندی شده و غیرطبقه‌بندی شده اخذ شود و شامل منابع عمومی و خصوصی شود (سنسورها،

1. Gantz
2. Volume
3. Variety
4. Velocity
5. Veracity
6. Graham

کامپیوترها و دیگر ادوات الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی، محیط وب و تلفن‌های همراه؛

❖ «سرعت» به افزایش فرکانس داده‌های ورودی اشاره می‌کند که باید تحلیل شوند و سرعتی که بر اساس آن توانایی انجام تحلیل وجود دارد (میلی‌ثانیه، ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، هفته، ماه)؛

❖ «صحت» از میزان قابل اتکا بودن داده خبر می‌دهد (گراهام، ۲۰۱۲: ۲).

اطلاعات رسانه‌های اجتماعی را می‌توان به طرق مختلف برای کسب دانش راهبردی از طریق تحلیل کلان‌داده به کار گرفت. در سطح کشوری، تحلیل گسترده تمایلات توده مردم، مانند اعلان هشدار در مورد اعتراضات اجتماعی که پس از قیام مردم عرب، گسترش خواهند یافت، می‌توانست به مثابه علائمی باشد که به دولت‌ها نشان دهد (موظف هستند) چگونه به چنین تهدیدات «بالادستی» واکنش نشان دهند. این موضوع هم برای رژیم‌های دموکراتیک و هم برای حکومت‌های استبدادی مهم است؛ البته در حاکمیت‌های مستبد، حساسیت به افکار عمومی به شدت بالا و ثبات داخلی بسیار متزلزل است (کوش و رایبیز، ۲۰۱۳: ۱۰).

امروزه حتی سازمان‌هایی که تمایل به فعالیت محرمانه دارند، رد پای از خود در فضای آنلاین برجای می‌گذارند. برخی سازمان‌های تروریستی همچون «داعش» سطح بی‌سابقه‌ای از فعالیت دائمی و پیچیده در فضای آنلاین را ثبت کرده‌اند. با این حال اطلاعات رسانه‌های اجتماعی، کاستی‌های خاص خود را دارد. آشکارترین آن‌ها این است که کاربران رسانه‌های اجتماعی ویژگی‌های اجتماعی-جمعیت‌شناختی خاص خود را دارند که در کل جمعیت آشکار نمی‌شوند؛ این موضوع سبب می‌شود تا «زیرمجموعه در زیرمجموعه در زیرمجموعه» ایجاد شده و محتوا به شدت محدود گردد (گراهام، ۲۰۱۲: ۲).

در حوزه عمومی یا غیر از آن، استخراج کلان‌داده معمولاً به شبکه‌هایی همچون اینترنت، وابسته است. با این وجود، امروزه ظرفیت‌هایی وجود دارد که نه تنها در شبکه‌های

همتا به همتای دیپ‌وب تحت عنوان «دارک نت» که سرورهای مرکزی را دور می‌زنند، رخنه می‌کنند (بیدل^۱، ۲۰۰۲: ۳)؛ بلکه در کامپیوترهای ایزوله‌شده از شبکه، رخنه کرده و داده را از دستگاه‌هایی همچون فرستنده فرکانس رادیویی، استخراج می‌نمایند. به‌عنوان مثال، برنامه‌ای مانند «کوانتوم» که یکی از ابزارهای آن تحت عنوان استاکسنت به جهان معرفی شد (سنگر و شانکر^۲، ۲۰۱۴: ۲). تاکنون باید مشخص شده باشد که تحلیل کلان‌داده و رسانه‌های اجتماعی ضرورتاً در نقطه‌ای که اطلاعات سایبری شروع می‌شود، توقف نمی‌کنند.

استفاده از اطلاعات منبع باز برای پشتیبانی از فعالیت سیاسی و دیگر پژوهش‌های تحقیقاتی، امر جدیدی نیست؛ کار سیاسی، به‌ویژه مطالعات منطقه‌ای مدت‌هاست که بر گردآوری اسرار و اطلاعات در دسترس عموم متکی است. «داده بزرگ»، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌شماری را برای تحلیلگران منبع باز به وجود می‌آورد. در این محیط جدید اطلاعاتی، دولت‌ها و بخش خصوصی در ابتدا روی تقویت فعالیت‌های مرتبط با جمع‌آوری، تمرکز کردند. نمونه‌های فراوانی در این حوزه از جمله کمک به بهبود بازده جستجوهای اینترنتی و تراکم داده از منابع متعدد، هم داخلی و هم خارجی وجود دارد. تجزیه و تحلیل کلان‌داده‌ها و سیستم‌های پشتیبانی تصمیم، نوید هضم حجم اطلاعاتی را می‌دهد که هیچ گروهی از تحلیلگران انسانی، هرچند بزرگ، نمی‌تواند مصرف کنند و در نتیجه به تصمیم‌گیرندگان نظامی کمک می‌کند تا مسیرهای اقدام بهتر را سریع‌تر انتخاب کنند (مورگان^۳، ۲۰۲۰: ۱).

لایه‌بندی سیستم‌های هوش مصنوعی و دسترسی آن‌ها به حجم عظیمی از داده‌های شخصی می‌تواند مسائل حقیقی و جدی در زمینه‌ی «حریم خصوصی»، «امنیت داده» و «ارزش‌های دموکراتیک» مطرح کند. با توانایی تحلیل داده‌های بزرگ، سیستم‌های هوش مصنوعی احتمالاً قادر باشند الگوهایی در رفتارها، ترجیحات و نگرش‌های افراد شناسایی کنند که ممکن است برخی از این شناخت‌ها حتی برای خود افراد نیز ناآشکار باشد. این

1. Biddle and et.al.

2. Sanger & Shanker

3. Morgan

پیشرفت‌ها می‌توانند به مزایایی مانند شخصی‌سازی تجربه‌های کاربری و ارائه‌ی خدمات بهتر منجر شوند، اما درعین‌حال می‌توانند پتانسیل سوءاستفاده و نقض حریم خصوصی را نیز در برداشته باشند. به‌عنوان مثال، اطلاعات جمع‌آوری‌شده ممکن است برای هدف‌گیری سیاسی یا تبلیغاتی مورد استفاده قرار گیرند؛ این امر می‌تواند بر آزادی بیان و انتخابات دموکراتیک تأثیر بگذارد (پولیاکوا و بویر^۱، ۲۰۱۸: ۱۲).

با این حال ظهور «کلان‌داده» به همراه پیشرفت‌هایی که در توانایی ما برای ضبط و بررسی حجم انبوه داده‌ها رخ داد، سبب شد تا فرهنگی با محوریت فناوری شکل گیرد که در آن توقعات تقریباً به‌صورت کامل در پیشرفت فناورانه ریشه دوانده‌اند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌های موردنیاز از منابع مختلف شامل مقالات علمی، گزارش‌های خبری و تحلیل‌های سیاسی جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین از ابزارهای تحلیل محتوا برای بررسی محتوای منتشرشده در فضای مجازی استفاده شده است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. تأثیرات هوش مصنوعی بر نظام بین‌الملل

هوش مصنوعی به سرعت در حال تغییر دادن چهره بسیاری از عرصه‌ها ازجمله سیاست جهانی است. این فناوری که ریشه در داستان‌های علمی-تخیلی داشته و حالا به یک واقعیت روزمره تبدیل شده، پتانسیل‌های بی‌شماری را در اختیار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار داده است. هوش مصنوعی می‌تواند در تقویت امنیت ملی مفید باشد، به‌عنوان مثال، با تحلیل داده‌های بزرگ و پیچیده برای شناسایی تهدیدات احتمالی قبل از وقوع. علاوه بر این، در زمینه نظامی، استفاده از سیستم‌های اتوماتیک و ربات‌ها می‌تواند به کاهش خسارت‌های جانی نیروهای مسلح کمک کند.

از طرف دیگر، استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند مخاطراتی را هم در پی داشته باشد. مسائلی مانند مسابقه تسلیحاتی هوش مصنوعی، نقض حریم خصوصی افراد و استفاده از هوش مصنوعی در جنگ‌های اطلاعاتی و روانی، مواردی هستند که باید با دقت بررسی و کنترل شوند (حریری، ۱۴۰۲: ۴۲۲).

هوش مصنوعی تأثیرات قابل توجهی بر نظام بین‌الملل دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پیش‌بینی داده‌ها، بهبود دیپلماسی دیجیتال و افزایش قدرت ملی. سیستم‌های هوش مصنوعی قادر به تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها و ارائه پیش‌بینی‌های دقیق‌تر در مورد رفتار کشورهای دیگر هستند. این قابلیت می‌تواند به سیاستمداران کمک کند تا تصمیمات بهتری بگیرند و استراتژی‌های مؤثرتری تدوین کنند.

هوش مصنوعی همچنین می‌تواند در تحلیل و مدیریت روابط دیپلماتیک به کمک بیاید. این فناوری قادر است تعاملات بین‌المللی را بهتر مدیریت کرده و به تحلیل دقیق‌تر نظرات عمومی و واکنش‌ها نسبت به سیاست‌های خارجی بپردازد. استفاده از هوش مصنوعی در سیاست خارجی می‌تواند به افزایش قدرت و پرستیژ ملی کشور کمک کند. کشورهایی که به‌خوبی از این فناوری بهره‌برداری می‌کنند، می‌توانند قدرت چانه‌زنی و تأثیرگذاری بیشتری در سطح بین‌المللی داشته باشند.

به نظر می‌رسد افزایش قدرت محاسباتی فوق‌العاده و فناوری‌های «داده کلان» در سال‌های اخیر هوش مصنوعی را تقویت کرده است. نسل جدید هوش مصنوعی به سرعت در حال گسترش است و دوباره به موضوعی جذاب برای تحقیقات تبدیل شده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین تأثیرات هوش مصنوعی در عرصه جهانی می‌پردازیم.

۱-۱-۴. چالش حاکمیت

هم‌زمان با پیشرفت بزرگی که تکنیک‌های هوش مصنوعی، در سایه انقلاب عظیم تکنولوژیکی و اطلاعاتی، در تولید برنامه‌های رایانه‌ای شبیه‌ساز ذهنی و الگوهای یادگیری، استنباط و واکنش به موقعیت‌هایی که ماشین برای آن‌ها برنامه‌ریزی نشده، به وجود آورده است و به‌موجب آن مفاهیم نوینی مانند «کلان‌داده‌ها» رواج یافته، چالش‌های جدیدی در

مسیر علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی و گرایش‌های آن به‌ویژه علوم سیاسی پدید آمده است.

دولت دیگر انحصار قدرت، خشونت و توانایی اجبار در جامعه را در اختیار ندارد. در شرایط فعلی دولت‌ها با برخی نهادهای غیردولتی مواجه‌اند که از قدرت، خشونت و سلاح همچون سایر بازیگران سیاسی، استفاده می‌کنند ولی قدرت آن‌ها به‌طور مطلق قابل‌اعمال نیست؛ زیرا امروزه اقتدار حکمرانی در اختیار بازیگرانی است که از قدرت فناوری، داده‌ها و زیرساخت‌های آن برخوردار هستند. همچنین دولت معنای سستی خود را از دست داده و از حالت محافظ‌کننده (از جان و منابع) خارج شده است. این بدان معناست که در مبانی و مفهوم مشروعیت تغییراتی ایجاد شده است. علاوه بر تغییر کارکردهای دولت، این ساختار سیاسی دیگر به‌تنهایی دارای قدرت نیست و به‌طور کامل نمی‌تواند نقش دولت محافظ‌کننده را ایفا نماید؛ به‌گونه‌ای که حتی در زمینه کارکردهای اقتصادی و آگاهی‌بخشی نیز هوش مصنوعی به تغییر ساختارها و نقش‌ها پرداخته است و بی‌تردید این وضعیت تهدید بزرگی علیه امنیت ملی محسوب می‌گردد (جمال‌الدین العزب، ۲۰۲۲: ۱۰۴-۱۰۷).

۲-۱-۴. تغییر نظم جهانی

فناوری‌های مدرن مانند هوش مصنوعی، واقعیت جدیدی را در چارچوب تغییر شکل نظام جهانی ایجاد کرده‌اند. با تغییر ساختار و قواعد نظام بین‌الملل و تبدیل آن از یک سیستم تک‌قطبی به یک سیستم چندقطبی که در حال شکل‌گیری و تبلور است، هوش مصنوعی می‌آید تا فصل جدیدی از تعاملات را پی‌ریزی نماید و در این مسیر برخورداری از فناوری‌های نوین یکی از عوامل تعیین‌کننده نزاع یا همکاری در ساختار جدید محسوب می‌گردد. درواقع، هوش مصنوعی یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده برای تبدیل شدن به یک کشور ابرقدرت است (جمال‌الدین العزب، ۲۰۲۲: ۱۳۵).

هوش مصنوعی با ورود به عرصه‌های مختلف، فصل جدیدی از تعاملات جهانی را ایجاد کرده است. این فناوری نوین با توانایی تحلیل داده‌های عظیم و شناسایی الگوهای پیچیده، به کشورها و سازمان‌ها امکان می‌دهد تصمیمات استراتژیک بهتری اتخاذ کنند. در

این مسیر، برخورداری از فناوری‌های نوین، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین نزاع یا همکاری در ساختار جدید جهانی دارد.

همچنین، این فناوری قادر است در حوزه‌های امنیتی و نظامی نیز نقش مهمی ایفا کند؛ این امر می‌تواند باعث تقویت یا تضعیف همکاری‌های بین‌المللی شود. از یک سو، توانایی‌های پیشرفته هوش مصنوعی در تحلیل اطلاعات امنیتی و پیش‌بینی تهدیدات می‌تواند به تقویت همکاری‌های امنیتی بین کشورها منجر شود؛ اما اگر این فناوری به عنوان ابزار قدرت‌نمایی نظامی مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند تنش‌ها و نزاع‌های جدیدی را ایجاد کند (موقال^۱، ۲۰۱۸: ۲۴).

رشد تهدیدات سایبری نه تنها به افزایش هزینه‌های مرتبط با امنیت سایبری منجر شده، بلکه به توسعه فناوری‌های جدیدی بر پایه هوش مصنوعی و یادگیری ماشین نیز انجامیده است. این فناوری‌های نوین نه تنها مقاومت و امنیت سیستم‌های ما را بهبود می‌بخشد، بلکه تعریف ما از مفهوم حفاظت را نیز دگرگون می‌کند. هوش مصنوعی در این زمینه، تنها یک پیشرفت فنی نیست، بلکه یک جهش بزرگ در نحوه نگرش و فهم ما از امنیت است. هوش مصنوعی و یادگیری ماشین این توانایی را دارند که به طور مداوم از داده‌های جمع‌آوری شده، یاد بگیرند و به خودی خود تکامل یابند؛ این امر موجب می‌شود سیستم‌ها قادر به شناسایی و مقابله با تهدیدات جدید و پیچیده‌تر به صورت خودکار و در لحظه باشند (ویکتوریا^۲، ۲۰۱۹: ۱). در نتیجه، هوش مصنوعی در حال تبدیل شدن به یک رکن اساسی در استراتژی‌های امنیتی است.

۳-۱-۴. ظهور بازیگران جدید

فناوری‌های جدید باعث ظهور بازیگران جدید در عرصه نظام بین‌الملل شده که در مواقعی کارکردهای مشابه بازیگران سنتی (دولت‌ها) و گاهی نیز در تعارض با آنها هستند (جمال‌الدین العزب، ۲۰۲۲: ۱۳۵). از طرفی، ظهور فناوری‌های هوش مصنوعی بازیگران جدیدی را به منصف ظهور رسانده که فاقد شخصیت حقوقی هستند. ادبیات مربوط به

1. Mughal

2. Victoria

هوش مصنوعی، چالش پیرامون چگونگی کسب شخصیت حقوقی ابزارهای مصنوعی و پیامدهای حقوقی و وظایف آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد، به‌ویژه که نقش آن‌ها فراتر از مرزهای دولتی است.

عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه‌ای، به‌خوبی اهمیت هوش مصنوعی در تغییر نظم جهانی و تقویت قدرت خود را درک کرده است. این کشور با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در حوزه هوش مصنوعی و تأسیس مراکزی مانند «مرکز جهانی اعتدال»، تلاش می‌کند از این فناوری برای تحلیل داده‌های کلان، مقابله با افراط‌گرایی و مدیریت تصویر بین‌المللی خود استفاده کند. درواقع، این کشور با بهره‌گیری از هوش مصنوعی، درصدد افزایش قدرت نرم و سخت خود در نظام بین‌الملل و تحکیم جایگاهش در نظم چندقطبی در حال شکل‌گیری است.

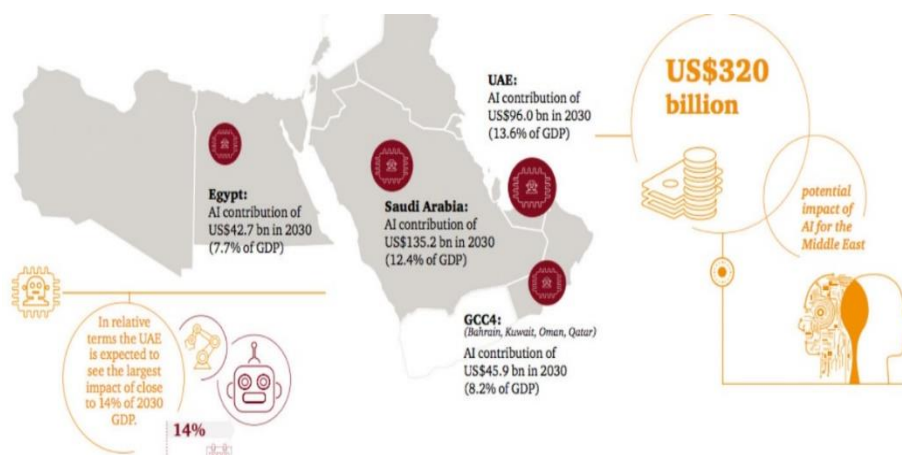
۲-۴. سیاست منطقه‌ای عربستان در عرصه هوش مصنوعی

سیاست منطقه‌ای عربستان در زمینه هوش مصنوعی به‌عنوان بخشی از طرح جامع‌تری برای توسعه و مدرنیزه کردن اقتصاد خود تحت عنوان «چشم‌انداز ۲۰۳۰» مطرح شده است. این کشور درصدد است که به یک مرکز عمده برای توسعه و کاربرد هوش مصنوعی در منطقه تبدیل شود و از این طریق بر سیاست کشورهای منطقه تأثیر بگذارد.

استفاده از فضای مجازی برای ترویج ابتکارات و دستاوردهای خود در زمینه هوش مصنوعی، عربستان را قادر می‌سازد تا پیشرفت‌های فناورانه و سرمایه‌گذاری‌های خود را به رخ جهانیان بکشد. این امر می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، همکاری‌های بین‌المللی و استعدادهای برتر در حوزه فناوری کمک کند. همچنین، با ایجاد تصویری مثبت از عربستان به‌عنوان پیشرو در حوزه هوش مصنوعی، می‌تواند اعتبار بین‌المللی و نفوذ منطقه‌ای این کشور را افزایش دهد.

در مقابل عربستان سعی دارد با تأثیرگذاری بر سیاست‌های منطقه‌ای از طریق فضای مجازی، استانداردها و قوانین مربوط به هوش مصنوعی را ترویج دهد که با منافع و دیدگاه‌های خود سازگار باشد. توسعه برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی، همکاری با

دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، و برگزاری کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، به ترویج گفتمانی مثبت و جذب نظرات عمومی و حمایت‌های دولتی منجر شده است. این استراتژی‌ها نه تنها برای عربستان بلکه برای تمام منطقه خاورمیانه می‌تواند مزایای توسعه‌ای در پی داشته است.



شکل شماره ۱. چشم‌انداز ۲۰۳۰ توسعه هوش مصنوعی در خاورمیانه عربی

تا قبل از ۱۹۹۸م. استفاده از اینترنت در کشور عربستان ممنوع بود. ارائه اینترنت در این کشور از سال ۱۹۹۴م. با اتصال مراکز علمی و پژوهشی عربستان به شبکه جهانی آغاز گردید. دسترسی مجاز تا سال ۱۹۹۸م. به طول انجامید و سال بعد از آن یعنی ۱۹۹۹م. دسترسی به جامعه و مردم عربستان داده شد (سهیلی‌مقدم، ۱۳۹۹: ۲۴۷)؛ اما پادشاهی عربستان با تمرکز قابل‌توجه بر هوش مصنوعی و داده‌ها در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ کشور خود، بیانگر تعهد عمیقی به تحول دیجیتال و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین است. این تمرکز نشان می‌دهد که عربستان درصدد رهبری در عرصه‌های مرتبط با داده‌ها و هوش مصنوعی در منطقه است و قصد دارد نه تنها به‌عنوان تولیدکننده نفت بلکه به‌عنوان یک قدرت فناوری شناخته شود. این اهداف بلندپروازانه در سایه سرمایه‌گذاری‌های کلان در زیرساخت‌های تکنولوژیکی، آموزش و پژوهش و همچنین توسعه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند هوش مصنوعی و داده‌های بزرگ، قابل تحقق خواهد بود.

عربستان با رونمایی از مراکزی مانند مرکز جهانی مبارزه با ایدئولوژی افراطی موسوم به اعتدال، نشان داد که تنها چند ماه پس از انتشار سند توسعه هوش مصنوعی، به‌طور جدی در پی استفاده از این فناوری‌ها برای مقابله با چالش‌های اجتماعی و امنیتی است. این مرکز با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و تکنولوژی‌های دیگر، درصدد تشخیص و مقابله با پیام‌های افراط‌گرایانه در فضاهای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی است. استفاده از هوش مصنوعی در این زمینه می‌تواند به تحلیل و پردازش حجم عظیمی از داده‌ها کمک کند و امکان شناسایی الگوهای پیچیده ارتباطی را فراهم آورد که شاید برای انسان‌ها دشوار باشد. همچنین می‌تواند در تشخیص سریع‌تر محتوای مضر و اقدامات پیشگیرانه مؤثر باشد. این اقدام نشان‌دهنده‌ی بخشی از تلاش‌های گسترده‌ی عربستان برای به‌کارگیری فناوری‌های نوین به منظور حل مسائل اجتماعی و تقویت امنیت ملی است. این تلاش‌ها به تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰م. کمک می‌کنند که یکی از آن‌ها توسعه اقتصاد دیجیتال و دستیابی به پیشرفت‌های تکنولوژیکی است.

در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های قدرت نرم و فناوری‌های سایبری توسط برخی از کشورها، از جمله عربستان، بخش مهمی از استراتژی‌های سیاست خارجی و امنیت ملی آن‌ها را تشکیل داده است. این کشور ۲۰ میلیون دلار در پروژه‌های هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری می‌کند تا اتکای اقتصادی خود به نفت را کاهش دهد. علاوه بر این، در حال برنامه‌ریزی برای ساخت یک شهر هوشمند نئوم با ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار است که در آن هوش مصنوعی در مرکز ثقل قرار خواهد گرفت (گزارش نمایه هوش مصنوعی^۱، ۲۰۲۱). عربستان سعودی «سازمان داده و هوش مصنوعی عربستان» را راه‌اندازی کرده که در برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ بر پروژه شهر هوشمند نئوم متمرکز شده است.

عربستان با بهره‌گیری از فناوری‌های سایبری می‌کوشد نقش خود را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت کرده و تأثیرگذاری فرهنگی و ایدئولوژیک خود را گسترش دهد. این امر می‌تواند شامل تلاش‌هایی برای مدیریت گفتمان‌ها و دیدگاه‌ها در فضای مجازی،

افزایش حضور رسانه‌ای و تقویت روابط دیپلماتیک از طریق وسایل ارتباط جمعی و فناوری اطلاعات باشد. مراکزی مانند اعتدال که با مأموریت‌های بین‌المللی تعریف شده‌اند، می‌توانند در جهت تقویت این نوع تلاش‌ها فعالیت کنند (بشیر و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۲). به عبارتی دیگر می‌توان بیان کرد که عربستان درصدد است با به‌کارگیری قدرت نرم تأثیرگذاری خود در منطقه را بازتعریف کرده و هزینه دخالت‌های صریح و مستقیم خود در سایر کشورها را به حداقل برساند.

۳-۴. تأسیس مرکز اعتدال^۱

عربستان در ماه مه ۲۰۱۷م. (مطابق با ۱۳۹۶ شمسی) و در حاشیه نشست سران عربی-اسلامی که با حضور «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، در ریاض برگزار شد، مرکز سایبری اعتدال را راه‌اندازی کرد. مسئولان عربستان اعلام کردند که این مرکز با هدف «مبارزه با اندیشه‌های افراط‌گرایانه و ترویج فرهنگ اعتدال و میانه‌روی تأسیس شده است». تا سال ۲۰۱۹م. دبیرکل این مرکز «منصور الشمری» بود. هیئت‌مدیره این مرکز از دوازده عضو از کشورها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده است. مرکز اعتدال تقریباً به تمام زبان‌های زنده دنیا ازجمله زبان فارسی دارای حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی است (اعتدال^۲، ۲۰۱۹).

مرکز جنگ ایدئولوژیک و مرکز اعتدال، دو مؤسسه رسانه‌ای-تبلیغاتی عربستان برای مبرا کردن این کشور از مرکزیت انتشار افکار افراطی در جهان و معرفی حاکمان این کشور به‌عنوان مدافعان حقوق بشر است. در این میان، مرکز بین‌المللی اعتدال، به‌عنوان یک مرکز جهانی، مأموریت خود را مبارزه با افراط‌گرایی و ترویج مدارا و هم‌زیستی بین مردم جهان اعلام کرده است. اعتدال، نخستین مرکزی است که نظارت، تعامل و تحلیل اندیشه‌های افراطی تعریف‌شده توسط حاکمان عربستان را با همکاری دیگر شبکه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و به کمک فناوری‌های مدرن پیگیری می‌کند (عبدالفتاح^۳، ۲۰۱۷: ۲).

1. The Global Center for Combating Extremist Ideology

2. Etidal

3. Abdoalfatah

راه‌اندازی این مرکز به‌عنوان بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر عربستان برای مقابله با افکار مخالف این کشور در نظر گرفته می‌شود. مرکز اعتدال قصد دارد با استفاده از فناوری‌های پیشرفته و تحلیل داده‌ها، به شناسایی و مقابله با پروپاگاندای افراطی در فضاهای مجازی بپردازد و درعین‌حال، راه‌های تقویت گفت‌وگوهای همسو با این کشور را فراهم آورد.

این مرکز در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کند، ازجمله ارائه آموزش‌ها و برگزاری کارگاه‌هایی برای تقویت مهارت‌های مقابله با «افکار غیرهمسو» در بین جوانان و کارشناسان و همکاری‌های بین‌المللی برای تبادل تجربیات و ایجاد یک شبکه جهانی علیه ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه (اعتدال، ۲۰۱۹).

این مرکز بیش از ۲۰۰ پایگاه تحلیلیگر «اطلاعات/داده» دارد که از فنون و ابزارهای مدرن نظارت برای تجزیه و تحلیل فوری استفاده می‌کند. «الفاظ غیرهمسوی تعریف‌شده» توسط حاکمان عربستان ظرف ۶ ثانیه پس از اینکه داده‌ها یا نظرات به‌صورت آنلاین در دسترس قرار گرفت، با استفاده از فناوری هوش مصنوعی تجزیه و تحلیل می‌شود و مکان کانون‌هایی را که ایدئولوژی افراطی را دربرمی‌گیرند، مشخص می‌کند (عبدالفتاح، ۲۰۱۷: ۳).

مرکز اعتدال عربستان، از شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر به‌عنوان بخشی از استراتژی خود برای گسترش پیام‌های خود و مبارزه با پیام‌های «غیرهمسو با خود» استفاده می‌کند. یکی از روش‌های این مبارزه «ترند کردن هشتک‌های خاص و هدفمند» است تا توجه و آگاهی عمومی به موضوعات مرتبط با اعتدال و ضد افراط‌گرایی را جلب کند. با این‌حال، فعالیت‌های مرکز اعتدال فقط به ترند کردن هشتک‌ها محدود نمی‌شود. این مرکز همچنین بر روی تحلیل محتوای دیجیتال، ارائه آموزش و افزایش آگاهی و کار با شرکای بین‌المللی برای تقویت تلاش‌های مشترک در مقابله با این چالش‌ها تمرکز دارد.

مرکز اعتدال عربستان با استفاده از روش‌های تحقیقاتی و تحلیلی مختلف، ازجمله مطالعات موردی، تحلیل‌های آماری و مصاحبه‌ها، به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در مورد

پدیده‌های مورد تحقیق خود می‌پردازد. علاوه بر این، این مرکز با استفاده از فناوری‌های نوین، از جمله داده‌کاوی، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای تحلیلی، به تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت این مرکز در پیشبرد اهدافش، ترکیب علوم سیاسی و فناوری‌های نوین به صورت واقعی است. ترکیب علوم سیاسی و فناوری‌های نوین در مرکز اعتدال عربستان به صورت زیر است:

- ❖ استفاده از ابزارهای تحلیل دیتا و هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های بزرگ در مورد کشورها و گروه‌های هدف؛
- ❖ استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مورد افکار عمومی و نظرات مردم؛
- ❖ استفاده از ابزارهای تحلیلی برای تحلیل و تفسیر داده‌ها و شناسایی الگوها و روندها.

ترکیب علوم سیاسی و فناوری‌های نوین در مرکز اعتدال عربستان یک رویکرد موفق در پیشبرد اهداف این مرکز است. مرکز اعتدال عربستان با استفاده از ترکیب علوم سیاسی و فناوری‌های نوین، توانسته نقاطی را شناسایی کند که امکان ایجاد کمپین رسانه‌ای علیه دشمنان و یا به نفع عربستان وجود دارد. این مرکز با استفاده از داده‌کاوی و شبکه‌های اجتماعی، به تحلیل افکار عمومی و نظرات مردم در مورد موضوعات مختلف می‌پردازد و موضوعاتی را شناسایی می‌کند که مردم بیشتر در مورد آن‌ها بحث می‌کنند و یا بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

این مرکز همچنین با استفاده از ابزارهای تحلیلی، به تحلیل و تفسیر داده‌ها می‌پردازد و الگوها و روندها را شناسایی می‌کند. این الگوها و روندها به مرکز اعتدال عربستان کمک می‌کنند تا کمپین‌های رسانه‌ای موفق در سطح شبکه‌های اجتماعی ایجاد کند.

این رویکرد می‌تواند به عنوان یک الگوی موفق برای سایر نهادهای تحقیقاتی و تحلیلی در جهان استفاده شود. با استفاده از ترکیب علوم سیاسی و فناوری‌های نوین، می‌توان به پیشبرد اهداف و ایجاد کمپین‌های رسانه‌ای موفق در سطح شبکه‌های اجتماعی پرداخت.

۴-۴. تأثیر فضای مجازی و هوش مصنوعی بر سیاست‌های منطقه‌ای عربستان

هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های قرن بیست‌ویکم، نقشی اساسی در تحول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایفا می‌کند. ظهور هوش مصنوعی باعث شده تا کشورها به سمت توسعه و استفاده از این فناوری برای تقویت قدرت ملی و پرستیژ بین‌المللی خود حرکت کنند (مور^۱، ۲۰۲۳: ۱). عربستان از پیشروهای به‌کارگیری هوش مصنوعی است.

۴-۴-۱. تقویت تصویر رسانه‌ای

استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری و پیشبرد دیپلماسی عمومی کشورها در عصر حاضر امری عادی است. عربستان نیز همانند سایر کشورها تلاش می‌کند تا از این ابزارها برای تقویت تصویر و حضور رسانه‌ای خود در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بهره‌برد. این کشور با وجود اینکه در منطقه وجهه مناسبی ندارد اما سعی کرده با استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در کشورهایی همچون ج.ا.ایران، سوریه و عراق که حتی حضور فیزیکی ندارد، وجه رسانه‌ای مناسبی برای خود ایجاد کند.

در این راستا، عربستان ممکن است به تولید محتوا، حمایت از رسانه‌های موافق با سیاست‌های خود، و یا ایجاد شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای جدید بپردازد تا پیام‌ها و دیدگاه‌های خود را در میان مخاطبان کشورهای دیگر از جمله ج.ا.ایران، سوریه و عراق منتشر کند. دو هدف احتمالی عربستان از این کارها عبارت‌اند از:

❖ افزایش نفوذ فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی؛

❖ تلاش برای موازنه‌سازی یا مقابله با تأثیرات منطقه‌ای رقبای منطقه‌ای.

۲-۴. راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای

راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای، یکی از ابزارهای مهم در دست کشورها برای افزایش پرستیژ بین‌المللی و تأثیرگذاری بر دیگر کشورها است. عربستان، به‌عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه، به‌طور فعال از این ابزار برای تقویت موقعیت خود در سطح منطقه و جهان استفاده می‌کند.

عربستان کمپین‌هایی راه‌اندازی می‌کند و در آن‌ها خود را به‌عنوان رهبر امور اسلامی و کشوری صلح‌طلب و میانجی در مناقشات منطقه‌ای معرفی می‌نماید. با توجه به اصلاحات اخیر در عربستان تحت رهبری ولیعهد «محمد بن سلمان»، کمپین‌های رسانه‌ای به ترویج تصویری مدرن و پیشرفته از کشور می‌پردازند تا اعتبار بین‌المللی این کشور را افزایش دهند. به‌عبارتی دیگر، در برابر ادعاها یا تصویر منفی که از سوی رقبای رسانه‌های بین‌المللی نسبت به عربستان ایجاد می‌شود، کمپین‌هایی برای ارائه دیدگاه‌های متفاوت و اصلاح این تصاویر راه‌اندازی می‌شوند.

عربستان از کمپین‌های رسانه‌ای برای حمایت از متحدان منطقه‌ای خود و افزایش نفوذ و موقعیت خود در منطقه استفاده می‌کند. با توجه به تنش‌های موجود در منطقه و رقابت‌های ژئوپلیتیکی، ریاض از این ابزار دیپلماسی نرم برای ایجاد ائتلاف‌ها، تقویت روابط دوجانبه و مقابله با رقبای منطقه‌ای بین‌المللی استفاده می‌کند.

این کمپین‌ها می‌توانند شامل تولید و انتشار محتوای تبلیغاتی، حمایت از ابتکارات منطقه‌ای، و برگزاری رویدادهایی باشند که هم‌پیمانان عربستان را در نور مثبتی نشان دهد. از سوی دیگر، عربستان درصدد تقویت نفوذ خود در منطقه از طریق ترویج تصویری مثبت از خود به‌عنوان یک قدرت میانجی و صلح‌طلب است. این کمپین‌ها معمولاً بر نقش عربستان در تقویت امنیت و ثبات منطقه، میزبانی از اجلاس‌ها و نشست‌های بین‌المللی، و نیز تلاش‌ها برای مبارزه با افراط‌گرایی و تروریسم تمرکز دارند. با انتشار داستان‌ها و گزارش‌هایی که اقدامات عربستان در جهت توسعه و پیشرفت را به تصویر می‌کشند، ریاض درصدد تحکیم جایگاه خود به‌عنوان یک عامل مثبت در منطقه است.

این کشور از طریق راه‌اندازی کمپین‌های دیجیتالی، پخش اخبار و گزارش‌های موافق با دیدگاه‌های خود، و نیز تأمین مالی رسانه‌هایی که محتوای سازگار با اهداف سیاست خارجی‌اش تولید می‌کنند، سعی در تقویت تصویر خود و ارائه دیدگاه‌های مطلوب به جامعه جهانی دارد. این فعالیت‌های رسانه‌ای گاهی اوقات به صورت مستقیم و گاهی از طریق نهادها و گروه‌های وابسته که به صورت نامحسوس عمل می‌کنند، صورت می‌گیرد. این رویکرد امکان دسترسی به جمعیت‌های گسترده‌ای را فراهم می‌آورد و می‌تواند در شکل‌گیری گفتمان‌های عمومی و سیاسی مؤثر واقع شود.

به‌طور کلی، این کمپین‌ها توانسته با هدف تقویت تصویر عربستان، افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، و پیشبرد اهداف سیاست خارجی این کشور طراحی و اجرا شوند.

۳-۴-۴. گفتمان‌سازی در شبکه‌های اجتماعی

استفاده از فضای مجازی برای گفتمان‌سازی، به کشورها این قابلیت را می‌دهد که به‌طور گسترده و با هزینه‌ای نسبتاً پایین تأثیراتی عمیق و ماندگار در افکار عمومی ایجاد کنند. شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه به دلیل پوشش و دسترسی گسترده‌ای که دارند و قابلیت اشتراک‌گذاری سریع محتوا، ابزاری قدرتمند برای انتشار پیام‌های سیاسی و تأثیرگذاری در جریان‌های خبری و گفتمان‌های عمومی شده‌اند. عربستان سعودی با استفاده از این فضاها تلاش می‌کند تا محتوای موردنظر خود را به‌گونه‌ای هدفمند و استراتژیک در معرض دید جهانیان قرار دهد.

عربستان همانند بسیاری از کشورها، استراتژی‌های گفتمان‌سازی در شبکه‌های اجتماعی را به‌کار می‌برد تا تأثیراتی در فضای مجازی و افکار عمومی جهانی داشته باشد. این رویکرد شامل ایجاد و انتشار داستان‌ها و پیام‌هایی است که ضمن حمایت از مواضع سیاسی عربستان، تصاویر و دیدگاه‌های مخالف یا رقبای منطقه‌ای مانند قطر، سوریه یا حتی نسبت به حوادث داخلی ج.ا.ایران را تضعیف می‌کنند. به‌عنوان مثال، در طول بحران دیپلماتیک با قطر، عربستان از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار محتوایی استفاده کرد که قطر

را به حمایت از تروریسم متهم کرده و تلاش نمود تا ائتلاف‌های خود را علیه این کشور تقویت کند.

در مورد سوریه، رسانه‌های عربستانی ممکن است برای تأثیرگذاری بر دیدگاه‌های بین‌المللی، گزارش‌هایی را منتشر کرده باشد که دولت سوریه را به نقض حقوق بشر متهم کرده و از گروه‌های مخالف دولت حمایت کند.

در مورد ج.ا.ایران نیز احتمال دارد عربستان به ترویج دیدگاه‌هایی پرداخته باشد که نشان‌دهنده نارضایتی‌های داخلی و اغتشاشات به‌عنوان نشانه‌هایی از ناپایداری حکومتی باشد. این نوع گفتمان‌سازی می‌تواند به افزایش فشار بین‌المللی علیه ج.ا.ایران و تقویت تصویری از عربستان به‌عنوان یک کشور پایدار و ثابت در منطقه کمک کند.

به‌طورکلی، استراتژی‌های گفتمان‌سازی در شبکه‌های اجتماعی اغلب بخشی از یک برنامه جامع‌تر برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاست‌های منطقه‌ای هستند. این روش‌ها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

❖ تولید و توزیع محتوای هدفمند؛

❖ استفاده از دیپلماسی اطلاعاتی؛

❖ ایجاد همکاری‌های استراتژیک با رسانه‌ها و تحلیلگران بین‌المللی.

هدف نهایی از این تلاش‌ها، تثبیت یک دیدگاه مطلوب و موردنظر عربستان سعودی به‌عنوان یک تفسیر غالب در مورد مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی است. این موضوع می‌تواند به تقویت موقعیت سیاسی عربستان در مقابله با رقبای منطقه‌ای و افزایش نفوذ آن در سیاست‌های بین‌المللی کمک کند. علاوه‌بر این، ایجاد یک تصویر مثبت از خود و نقد سیاست‌های کشورهای رقیب، عربستان را در جهت تحکیم ائتلاف‌های منطقه‌ای و جذب حمایت‌های بین‌المللی کمک می‌کند.

۴-۴-۴. افزایش نفوذ منطقه‌ای

عربستان با استفاده از هوش مصنوعی و فضای مجازی، توانسته نقش مؤثری در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود داشته باشد و در بسیاری از تحولات و رویدادهای اخیر، دست

برتر را در نبرد رسانه‌ای و دیپلماتیک با دیگر کشورهای منطقه داشته باشد (ذوالقدرپور، ۱۴۰۱: ۱).

عربستان تلاش کرده با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و فضای مجازی نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود ایفا کند. این کشور با تأسیس مراکز بین‌المللی تحقیقات و اخلاق هوش مصنوعی، درصدد است تا فناوری‌های پیشرفته را به‌طور اخلاقی توسعه دهد و سیاست‌های منطقه‌ای خود را تقویت کند.

عربستان مانند بسیاری از دولت‌ها در عصر ارتباطات جهانی، به خوبی درک کرده که حضور فیزیکی در یک کشور تنها راه تأثیرگذاری بر سیاست‌های آن منطقه نیست. با پیشرفت تکنولوژی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، استفاده از فضای مجازی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و افزایش نفوذ منطقه‌ای شناخته شده است. این کشور با تولید محتوا و استراتژی‌های هدفمند در فضای مجازی، تلاش می‌کند تا بر افکار عمومی و سیاست‌های دولت‌های دیگر کشورها، به‌ویژه در خاورمیانه، تأثیر بگذارد.

علاوه بر این، عربستان با حضور در پلتفرم‌های مختلف مجازی، ازجمله شبکه‌های اجتماعی محبوب و وبسایت‌های خبری، توانسته تأثیر گسترده‌ای در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز داشته باشد. این حضور به عربستان امکان می‌دهد تا موضع‌گیری‌ها و داستان‌سرایی‌هایی که مطابق با منافع ملی و منطقه‌ای‌اش هستند را منتشر کند و درعین حال، به کنترل و مدیریت دیدگاه‌های مخالف بپردازد.

استفاده از فضای مجازی به‌عنوان یک صحنه عملیاتی راهبردی، این امکان را به عربستان می‌دهد تا بدون نیاز به مداخله نظامی یا دیپلماتیک سنتی، بر تحولات سیاسی و اجتماعی مناطق مختلف تأثیر بگذارد. این نوع از مداخله‌گری رسانه‌ای که گاهی «جنگ نرم» نامیده می‌شود، به دولت‌ها اجازه می‌دهد که با استفاده از ابزارهای پیچیده تبلیغاتی و اطلاعاتی، نگرش‌ها و رفتارهای جمعی را بدون استفاده از زور قهری شکل دهند.

در این فرایند، عربستان از طیف وسیعی از تکنیک‌های رسانه‌ای بهره می‌برد تا پیام‌های خود را بهینه‌سازی و به اقشار مختلف جامعه هدف خود برساند. این شامل استفاده از هنر روایت سرایی، تولید محتوای حرفه‌ای و جذاب، و به‌کارگیری تکنیک‌هایی مانند افکارسنجی و تحلیل داده‌های بزرگ برای فهم بهتر و واکنش به نگرش‌های عمومی است. علاوه بر این، عربستان ممکن است برای رسیدن به اهداف خود، به شناسایی و حمایت از افراد تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی (مانند وبلاگ‌نویسان، فعالان رسانه‌ای و سلبریتی‌ها) بپردازد؛ این افراد می‌توانند به‌عنوان «سفیران نامرئی» برای پیشبرد داستان‌ها و دیدگاه‌های موردنظر عربستان عمل کنند.

عربستان به‌عنوان یکی از کشورهای مؤثر در خاورمیانه، به خوبی آگاه است که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای ترویج و تقویت سیاست‌های منطقه‌ای عمل کنند. با استفاده از رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، ریاض تلاش دارد تا دیدگاه‌های خود را به طیف وسیعی از مخاطبان در سراسر جهان منتقل کند و نظرات مثبتی درباره خود و سیاست‌هایش ایجاد نماید. این کشور با توسعه استراتژی‌های رسانه‌ای هوشمندانه، از جمله تولید محتوای تبلیغاتی، فیلم‌ها، اینفوگرافیک‌ها و استفاده از حساب‌های کاربری رسمی برای نشر اطلاعات، درصدد تقویت برداشت‌های مثبت و کاهش تأثیرات منفی احتمالی ناشی از سیاست‌هایش است. به‌علاوه، عربستان سعودی در تلاش است تا با استفاده از این پلتفرم‌ها، موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت اصلی در منطقه را تثبیت کند و بر دیگران تأثیر بگذارد.

با این وجود، استفاده از فضای مجازی برای ترویج سیاست‌های منطقه‌ای نیازمند درک عمیق از جوامع هدف و فرهنگ‌های مختلف است. عربستان سعودی باید به دقت تعاملات خود را مدیریت کند تا از هرگونه ادراک منفی یا واکنش نامطلوب جلوگیری کند. همچنین این کشور باید آماده مقابله با چالش‌های مربوط به قوانین بین‌المللی و ارزش‌های جهانی باشد؛ چراکه سیاست‌هایش ممکن است تحت نظر و انتقاد جامعه جهانی قرار گیرد.

۵. نتیجه‌گیری

ظهور فضای مجازی و تکنولوژی‌های نوین مانند هوش مصنوعی، چهره سیاست و حکمرانی جهانی را به‌طور اساسی دگرگون ساخته است. این تحولات، دولت‌ها و بازیگران سیاسی را با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه کرده است؛ لذا در سال‌های اخیر کشورهای مختلف، با درک اهمیت فضای مجازی، کلان‌داده، هوش مصنوعی و پردازش ماشینی، اقداماتی را در این زمینه آغاز کرده‌اند. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از پیشروهای این حوزه با بهره‌گیری از مشاوران غربی، تحولات عمیقی را در این حوزه به وجود آورده است.

در این مقاله تلاش شد با تمرکز بر دو واحد تحلیل برجسته یعنی «دولت» و «نظام بین‌الملل» تأثیر فضای مجازی و الگوریتم‌های هوش مصنوعی در پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای کشور عربستان بررسی شود. عربستان سعودی نمونه‌ای از کشورهایی است که با بهره‌گیری هوشمندانه از این فناوری‌های پیشرفته توانسته تا حدودی مشکلات و چالش‌های خاص خود را پشت‌سر بگذارد.

عربستان با استفاده از هوش مصنوعی و ابزارهای فضای مجازی، قادر شده تا تصویری مثبت‌تر از خود ارائه دهد، نفوذ منطقه‌ای خود را تقویت کند و به نوعی موانع و محدودیت‌های پیش‌روی خود را کاهش دهد. درواقع، عربستان سعودی با بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های جدید همچون هوش مصنوعی و فضای مجازی، توانسته به‌طور مؤثری نقاط ضعف تاریخی خود را که ناشی از افراط‌گرایی و فقدان محبوبیت منطقه‌ای بود، جبران کند. این کشور با استفاده از این ابزارهای نوین، نه‌تنها توانسته تصویری مثبت‌تر و مدرن‌تر از خود به نمایش بگذارد، بلکه قدرت راهکنشی خود را نیز افزایش داده و نفوذ بیشتری در سطح منطقه کسب کند. این تحولات نشان می‌دهد که چگونه استفاده استراتژیک از فناوری می‌تواند نقش کلیدی در تحول رویکردهای سیاسی و حکمرانی ایفا کند و زمینه‌ساز افزایش قدرت و نفوذ یک کشور در سطح بین‌المللی شود.

۱-۵. توصیه‌های راهبردی

استفاده از مدل‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی در سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان یکی از نوآوری‌های مهم در تحلیل رفتارهای سیاسی و استراتژیک کشورها و بازیگران منطقه‌ای مطرح شود. این مدل‌ها قادر هستند با تحلیل داده‌های کلان از منابع مختلف روندهای آینده را پیش‌بینی کرده و به سیاست‌گذاران کمک کنند تا تصمیمات آگاهانه‌تر و کارآمدتری اتخاذ کنند. در ادامه، توضیحات دقیق‌تری درباره چگونگی استفاده از این مدل‌ها در سیاست‌های منطقه‌ای ارائه می‌شود:

۱-۱-۵. جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تاریخی و سیاسی

مدل‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی برای سیاست‌های منطقه‌ای ابتدا نیازمند جمع‌آوری داده‌های تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از کشورهای منطقه هستند. این داده‌ها می‌تواند شامل اطلاعاتی درباره موارد زیر باشند:

- ❖ تاریخچه روابط دیپلماتیک کشورها؛
- ❖ میزان سرمایه‌گذاری‌ها و تبادلات تجاری؛
- ❖ الگوهای رفتاری دولت‌ها در بحران‌های گذشته؛
- ❖ تحرکات نظامی و جغرافیایی؛
- ❖ بیانیه‌ها و سیاست‌های اعلام‌شده.

مدل‌های یادگیری ماشینی مانند «شبکه‌های عصبی»^۱ و «الگوریتم‌های یادگیری عمیق»^۲ می‌توانند این داده‌ها را تحلیل کرده و به‌طور مداوم روندها و تغییرات سیاسی را شناسایی کنند. به‌عنوان مثال، این مدل‌ها می‌توانند پیش‌بینی کنند که یک کشور خاص چه زمانی به اقدامات تهاجمی نظامی یا تغییرات در سیاست خارجی روی خواهد آورد.

۲-۱-۵. پیش‌بینی نتایج سیاست‌ها با استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی

مدل‌های پیش‌بینی مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند برای شبیه‌سازی نتایج سیاست‌های خارجی و داخلی استفاده شوند. این مدل‌ها با استفاده از داده‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیرات سیاست‌های جدید بر رفتار کشورهای دیگر منطقه را شبیه‌سازی می‌کنند. همچنین این مدل‌ها می‌توانند به دولت‌ها در طراحی سناریوهای مختلف کمک کنند تا واکنش‌های مختلف کشورهای منطقه به سیاست‌های پیشنهادی را شبیه‌سازی و ارزیابی کنند.

۳-۱-۵. تحلیل داده‌های اجتماعی و رسانه‌ای برای پیش‌بینی ناآرامی‌های منطقه‌ای

یکی از چالش‌های سیاست‌های منطقه‌ای، ناآرامی‌ها و تغییرات اجتماعی است که می‌تواند بر ثبات کشورها تأثیر بگذارد. هوش مصنوعی قادر است داده‌های شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های عمومی و حتی تصاویر ماهواره‌ای را تحلیل کند تا پیش‌بینی‌های دقیقی درباره وقوع ناآرامی‌ها و اعتراضات مردمی ارائه دهد.

۴-۱-۵. تحلیل و پیش‌بینی تهدیدات نظامی و امنیتی

مدل‌های پیش‌بینی هوش مصنوعی در سیاست‌های منطقه‌ای می‌توانند به شناسایی و پیش‌بینی تهدیدات نظامی و امنیتی کمک کنند. با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای، اطلاعات جاسوسی و داده‌های عمومی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند الگوهای رفتاری تهدیدات نظامی مانند تحرکات نیروهای نظامی، تمرینات نظامی، یا فعالیت‌های سایبری را پیش‌بینی کند.

۵-۱-۵. استفاده از مدل‌های پیش‌بینی در مذاکرات دیپلماتیک و سیاست خارجی

هوش مصنوعی می‌تواند به سیاست‌گذاران در مذاکرات دیپلماتیک کمک کند تا نتایج احتمالی مذاکرات را پیش‌بینی کرده و بر اساس آن استراتژی‌های دیپلماتیک خود را تنظیم کنند. با تحلیل داده‌های تاریخی، اقتصادی و دیپلماتیک، مدل‌های پیش‌بینی به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا تصمیماتی مبتنی بر داده‌ها و روندهای گذشته بگیرند.

منابع

الف- فارسی

- بشیر، حسن؛ تمدن، امیررضا؛ میرشکاری سلیمانی، امین (۱۴۰۱). «دستکاری اجتماعی خصمانه؛ راهبرد نوین تأثیرگذاری بر افکار عمومی (مطالعه موردی اقدامات عربستان سعودی در تویتر با روش تحلیل شبکه اجتماعی)»، *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۸(۳۲)، ۳۶-۱.
- حریری، رحمان؛ رستمی، فرزاد؛ عبدعلی، حیدر (۱۴۰۲). «راهبردهای هوش مصنوعی در عربستان و امارات و پیامدهای آن بر امنیت منطقه‌ای بین‌النهرین (مطالعه موردی عراق)»، *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۲(۳)، ۴۵۱-۴۲۱.
- ذوالقدرپور، اسلام (۱۴۰۱). «دست برتر عربستان در نبرد رسانه‌ای با ایران»، *دیپلماسی ایرانی*، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2014991/>
- سهیلی‌مقدم، سید مهدی (۱۳۹۹). «واکاوی حاکمیت دولت بر فضای مجازی؛ مطالعه موردی عربستان در مواجهه با معارضان»، *دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، ۹(۱)، ۳۰۹-۲۸۱.
- کرمی، کامران (۱۴۰۲). «مسئله‌ها و بایسته‌های استراتژیک عربستان سعودی در سال ۲۰۲۳»، *فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه*، ۲۹(۴)، ۱۲۲-۱۱۱.
- همتی وینه، حدیث؛ رستمی، فرزاد؛ احمدیان، قدرت (۱۴۰۲). «هوش مصنوعی و آینده رقابت‌های منطقه‌ای خاورمیانه»، *فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه*، ۳۰(۳)، ۱۸۲-۱۵۹.

ب- عربی

- أولاین، فیونولا نی (۲۰۲۲). «تقرير فی شأن تأثير مكافحة الإرهاب علی صنع وبناء و استدامة السلام و منع النزاعات و حلها»، قابل دسترس در: <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/>
- جمال‌الدین العزب، هیه (۲۰۲۲). «العلوم السياسية ما بین تأثير تقنيات الذكاء الاصطناعي ومراجعة أركان ووظائف مفهوم الدولة وبنية النظام العالمي»، *مجلة كلية الاقتصاد والعلوم السياسية*، ۲۳(۱)، ۱۵۰-۱۰۳.

- الخلیج أونلاين (۲۰۲۴). «سباق الذكاء الاصطناعي.. كيف عزز من أهمية منطقة الخليج»، قابل دسترس در: <https://khaleej.online/YWxjzo>
- وكالة الأنباء السعودية (۲۰۲۴). «عرضت جهود المملكة العربية السعودية في مجال الذكاء الاصطناعي و الاقتصاد الحيوي في اجتماع علمي في ريو دي جانيرو»، قابل دسترس در: <https://scholar.google.com/scholar?hl>

ج-انگلیسی

- Gantz, J. (2011). "Extracting Value from Chaos", *The IDC iView*, available at: <http://idccoserv.Com/1142>.
- Sanger, D. E.; Shanker, T. (2014). "NSA devises radio pathway into computers", *The New York Times*, 1(15).
- Couch, N.; Robins, B. (2013). "Big data for defence and security", *Occasional Paper*, Royal United Services Institute, pp. 801-23.
- Graham, M. (2012). "Big data and the end of theory", *The Guardian*, 9(03).
- Biddle, P.; England, P.; Peinado, M.; & Willman, B. (2002). "The darknet and the future of content distribution", *In ACM Workshop on digital rights management*, 6, p.54.
- Moore, a (2023). "How AI Could Revolutionize Diplomacy", available at: <https://foreignpolicy.com/2023/03/21/>.
- Mughal, A. A. (2018). "Artificial Intelligence in Information Security: Exploring the Advantages, Challenges, and Future Directions", *Journal of Artificial Intelligence and Machine Learning in Management*, 2(1), pp. 22-34.
- Polyakova, A.; Boyer, S. P. (2018). The future of political warfare: Russia, the West, and the coming age of global digital competition, The Brookings Institution, March, available at: <https://www.brookings.edu/research/the-future-of-political-warfare-russia-the-west-and-thecoming-age-of-global-digital-competition/>.
- Morgan, F. E.; Boudreaux, B.; Lohn, A. J.; Ashby, M.; Curriden, C.; Klima, K.; & Grossman, D. (2020). *Military applications of artificial intelligence*, Santa Monica: RAND Corporation.
- Victoria, A. (2019). "Cyber security and artificial intelligence", *Researchgate*, May, at: https://www.researchgate.net/publication/333371302_Cyber_security_and_artificial_intelligence.
- Etidal (2019). "The Global Center for Combating Extremist Ideology", Available at: <https://etidal.org>.
- Abdoalfatah, Fateme al-Zahra (2017). "Strategies of Ideological Confrontation of Extremism", Available at: <https://futureuae.com/cart/Mainpage/Item/2941/etidalstrategies-of-ideological-confrontation-of-extremism>
- The AI Index Report (2021). Stanford University.